

کلاهربرداری از مسابقات جام جهانی

باسایت‌های شرط‌بندی فوتبال

۷ یادداشت
سرهنگ علی نیک‌فلس

بنگاه‌های شرط‌بندی در فضای مجازی هستند، بنگاه‌هایی که با سود بردن از جذابیت‌های موجودو حساس کردن رقابت میان کاربران، با استقبال مردمی مواجه شده‌است.

فعالیت این سایت‌ها معمولاً در رقابت‌های مهم ورزشی نظیر جام‌جهانی و بین قاره‌ای، المپیک و… به اوج خود رسیده و مدیران بنگاه‌های شرط‌بندی سعی می‌کنند با استفاده از تبلیغات جذاب و اغوا کننده، کاربران را به پیش‌بینی نتایج مسابقات مختلف ترغیب کنند. برخی از این سایت‌ها برای عضویت کاربران، درخواست واریز مبلغی قابل توجه کرده و در ادامه به آنها اجازه پیش‌بینی نتایج را می‌دهند. در اکثر موارد مدیران این سایت‌ها بعد از جلب اعتماد کاربران، اقدام به کلاهبرداری از آنان در قالب‌های مختلف می‌کنند.

مجرمان سایبری با طارحی سایت‌ها و درگاه‌های جعلی در صدد کلاهبرداری از کاربران و برداشت‌های غیرمجازاز حساب‌بانکی آنان هستند. در این راستا، راه‌اندازی سایت‌های پیش‌بینی نتایج مسابقات و نیز شرط‌بندی به زبان فارسی افزایش پیدایی‌کنند، لذا هموطنان عزیز باید مراقب کلاهبرداران فضای مجازی باشند.

این سایت‌ها برای جذب مشتری و جلوگیری

دستگیری مدیران سایت‌های شرط‌بندی فوتبال

رئیس پلیس فتای استان اصفهان از بازداشت مدیران ۷۰۰سایت جعلی شرط‌بندی فوتبال خبر داد. سرهنگ سید مصطفی مرتضوی افزود: این افراد در کنار راه‌اندازی سایت‌های جعلی درگاه‌هایی را راه‌اندازی می‌کنند که به اطلاعات حساب‌های بانکی شهروندان دسترسی یافته و به صورت غیرمجاز از حساب آنان پول برداشت می‌کنند.

وی با بیان اینکه دستور مسدودسازی سایت‌های شرط‌بندی و قمار آنلاین از سوی مقام قضایی صادر شده است، گفت: در عملیاتی پلیسی مدیران ۷۰۰سایت جعلی شرط‌بندی و قمار شناسایی و دستگیر شدند. وی با بیان اینکه اغلب مدیران سایت‌های قمار و شرط‌بندی در خارج از استان اصفهان فعالیت داشته‌اند، افزود: این در حالی است که این مدیران مشتریان زیادی را در استان اصفهان دارند.

حوادث

سرویس حوادث ۴۸۴۹۸۵۴

دفن جسدشوهر در بشکه!

زن جوان که متهم است پس از بیهوش کردن شوهر میانسالش جسد وی را سوزانده و داخل یک بشکه دفن کرده مدعی است که به خاطر رفتارهای مشکوک شوهرش دست به این کار زده است.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۲ شامگاه یکشنبه ۲۷ خردادماه زن جوانی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت که شوهرش را به قتل رسانده است. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب برای بررسی ماجرا در محل که پشت‌بام ساختمانی چهار طبقه در خیابان اسکندری شمالی بود حاضر شدند. در اولین بررسی‌ها معلوم شد که زن ۴۳ساله بعد از قتل شوهر ۵۸ساله‌اش جسد وی را داخل بشکه پنهان کرده و روی آن را با سیمان پوشانده است.

بعد از تأیید خبر قاضی منافی آذر، باز پرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران به همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شد. در اولین گام با حضور آتش‌نشنان جسد از داخل بشکه خارج شد. در بررسی‌های اولیه تیم پزشکی قانونی در محل مشخص شد که جسد قبل از دفن شدن سوزانده شده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی همسر مقتول مورد تحقیق قرار گرفت.

وی در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: من و شوهرم سال‌ها قبل ازدواج کردیم، ابتدا زندگی خوبی داشتیم و در همان سال‌های ابتدایی صاحب دو دختر شدیم و الان هم دخترانم ۱۸ و ۱۲ساله هستند. زندگی خوبی داشتیم تا اینکه مدتی قبل به رفتارهای همسرم مشکوک شدم و بعد از آن با هم اختلاف پیدا کردیم و همواره با هم مشاجره می‌کردیم، او در شرح قتل گفت: همسرم همیشه سرش به گوشی‌اش بود و من به او مشکوک شده بودم و احتمال می‌دادم او با زن دیگری در ارتباط باشد، او پیامک‌های مشکوکی به افراد دیگر می‌فرستاد تا اینکه چند روز قبل مثل همیشه با هم مشاجره کردیم، وقتی دعواي ما بالا گرفت مرا به شدت کتک زد که تصمیم به انتقام گرفتم، شامگاه روز جمعه ۲۵ خردادماه بود

عامل قتل بنیتا قصاص شد



وی گفت: من موتور ساز، اهل تهران و ساکن پاکدشت هستم. از سال ۸۵معناد به مواد مخدر شدم و از آن زمان به بعد چند باری به اتهام خرید و فروش مواد، مشروبات الکلی و درگیری اعتراف کرد.

دستگیر و راهی زندان شدم. آن روز قرار بود از مواد فروشی در پارک نزدیک محل حادثه مواد بخریم، اما مواد فروش به پارک نیامد به همین دلیل همراه مهدی و یکی دیگر از دوستانم به طرف خیابان رفتم، مهدی به من گفت خودروی من سوار خودروی شدم و به راه انداختم که صاحب خودرو از خانه‌اش بیرون آمد و اما موفق نشد من را سرقت شود. ابتدا می‌خواستم خودرو را در کیانتشر رها کنم، اما مهدی گفت به پاکدشت بروم، من متوجه چچه نشدم تا اینکه در پاکدشت مهدی را دیدم و سوار خودروی شد و متوجه بچه شدیم. پس از سرقت مقداری از لوازم، خودرو را در خیابانی‌ها رها کردیم و با پول‌های سرقتی رفتم مواد بخرم. مهدی، متهم ردیف دوم و متهم ردیف سوم نیز در بازجویی‌ها حرف‌های همدست خود را تأیید کردند. سه متهم پس از تحقیقات تکمیلی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند و هیئت قضایی محمد را به اتهام مباشرت در قتل عمدی بنیتا به قصاص محکوم کرد.

حکم دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. بدین ترتیب محمد صبیح دیروز پس از تسیر مراحل قانونی اجرای حکمش در زندان رجایی شهر با چوبه دار قصاص شد.

او شناسایی و بازداشت شد. این مرد ابتدا جرمش را انکار کرد، اما در مراحل بازجویی لب به اعتراف گشود و با همدستی سه نفر از دوستانش به جرمش اعتراف کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «مدتی قبل با دختر شاکي به نام مانا آشنا شدم و تصمیم گرفتم او را به عقد خودم در آورم، اما متوجه شدم پدرزنم مخالف نام مانا آشنا شدم و تصمیم گرفتم او را به عقد شده بودم و می‌خواستم هر طور شده با او ازدواج کنم، به ناچار درباره شغل و موقعیتم به آنها دروغ گفتم. این شد که من و مانا با هم عقد کردیم و در بی مقدمات جشن عروسی بودیم که مانا متوجه دروغ‌هایم شد. او به دادگاه رفت و به خاطر پدر در ازدواج از من شکایت کرد. همسر می‌خواست هر طور شده از من جدا شود، اما من عاشق مانا بودم و نمی‌خواستم او را از دست بدهم. این شد که نقشه آدم‌ربایی به سرم زد.» متهم در ادامه گفت: «در این مورد با سه نفر از دوستانم صحبت کردم و قرار شد آنها پدرزنم را به خانه متروکه بیاورند و بعد به آنها ملحق شوم. آن روز برای اینکه شناسایی نشوم به صورت نقاب زدم و به زور از پدرزنم چک و چند میلیون سفته گرفتم و سپس رهايش کردم.» بعد از اقرار‌های متهم دیگر همدستان وی نیز



مسافر هلندقتل

مرد ساندویچی را انکار کرد

پسر جوانی که متهم است مرد ساندویچی را به خاطر کینه قدیمی به قتل رسانده پس از دستگیری قتل را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲ باامداد دیروز مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران را از قتل مرد سالخورده‌ای باخبر کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت مرد سالخورده‌ساعتی قبل در مغازه ساندویچی‌اش از سسوی فرد ناشناس با ضربات چاقو زخمی و برای در مان به بیمارستان بوعلی منتقل شده‌است. اما مرد سالخورده به سبب خونریزی شدید فوت می‌کند. بدین ترتیب بااعلام این خبر باز پرس همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی‌های محل شدند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد مرد ۷۳ساله‌ای به نام فرامرز روبه‌رو شدند که با اصابت چاقو به قفسه سینه‌اش به کام مرگ رفته بود. همچنین در تن پیمایی از مقتول تیم جنایی با آثار زخم روی دست مقتول هم روبه‌رو شدند که نشان می‌داد وی در دفاع از خودش مقابل ضارب از ناحیه دست هم زخمی شده‌است.

پسر مقتول در تحقیقات پلیسی گفت: پدرم مغازه ساندویچی داشت و من هم در مغازه‌اش کار می‌کنم. او با کسی دشمنی نداشت، اما دو هفته قبل پسر جوانی به داخل ساندویچی آمدم.بود و پدرم در گیر شده بود. من علت گریزی را نبرسیدم و الان هم دلیل این درگیری را نمی‌دانم. وی درباره لحظه قتل گفت: خانه ما بالای مغازه ساندویچی‌است. ساعت ۱۲ شب در حالی که قرار بود مغازه را ببندیم برای انجام کاری به خانه‌مان در طبقه بالا رفتم و پدرم در مغازه تنها بود. لحظاتی بعد وقتی به مغازه برگشتم با صحنه هولناکی روبه‌رو شدم. پدرم خونین نقش بر زمین شده بود و به سختی حرف می‌زد. بلافاصله با اادره پلیس و اورژانس تماس گرفتم. پدرم را با آمبولانس به بیمارستان بوعلی منتقل کردیم، اما پدرم به خاطر خونریزی شدید فوت کرد. وی در پایان گفت: من به همان پسر جوان مشکوک هستم و احتمال می‌دهم او در همان دقایقی که من به خانه‌مان رفتم به مغازه آمده و پدرم را به قتل رسانده‌است. هم زمان با ادامه تحقیقات تیم جنایی مشخصات مظنون را که پسر مقتول در اختیار تیم جنایی قرار داده بود به گشت‌های مأموران پلیس اعلام کردند و پسر ناشناس به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت. در حالی که ساعتی از وقوع حادثه نگذشته بود مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو اعلام کردند پسر موتور سواری را در حوالی محل حادثه مشاهده کردیم که با موتور سیکلتش در حال دور دور زدن است. با مشاهده مظنون، مأموران به دستور باز پرس پرونده پسر موتور سوار را بازداشت کردند. مأموران همچنین در بازرسی از متهم و موتور سیکلتش چاقویی را که وی زیر زین موتورسیکلتش مخفی کرده بود کشف کردند.

متهم که پسر ۳۰ساله‌ای به نام رسول بود پس از دستگیری برای تحقیقات به اداره پلیس منتقل شد. متهم در بازجویی‌ها به درگیری با مقتول اعتراف کرد، اما مدعی شد مرگت قتل مرد ساندویچی نشده‌است.

وی گفت: من از مقتول کینه‌قدیمی داشتم. ۲۰سال قبل برادر ۱۱ساله‌ام به طرز مرموزی به قتل رسید. در آن زمان خیلی تلاش کردم عمل قتل را بیابم، اما موفق نشدم تا اینکه پس از مدتی فهمیدم فرامرز، برادرم را به قتل رسانده‌است. از آنجایی که مدرکی برای اثبات حرقم نداشتیم کاری نتوانستیم انجام بدهیم، اما از آن روز به بعد از فرامرز کینه به دل گرفتم و الان هم خیلی خوشحالم که او از پدرم زندم و الان هم خبر ندارم چه کنسی او را به قتل رسانده‌است. امشب هم دلم خیلی گرفته بود و از خانه‌مان در محله تهرانپارس با موتور سیکلتم به محله قدیمی‌مان در تهران‌نوم آمدم و در حسال چرخیدن بودم که مأموران مرا بازداشت کردند.

متهم در پایان جلسه بازجویی به دستور قاضی منافی آذر برای تحقیقات بیشتر و بر ملا شدن را از این حادثه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین باز پرس جنایی دستور داد چاقوی کشف شده از مظنون برای انجام آزمایش‌های لازم در اختیار پزشکی قانونی قرار گیرد.

